روزنامه شرق

شنبه ۷ آذر ۱۴۰۵
۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
۲۸ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۳۸
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



رمزگشایی از دیدار اردوغان با ژنرال لیبیایی

آینده لیبی در دست خاندان حفتر؟

۵

در «شرق» امروز می‌خوانید: فراخواندن صد هزار نیروی ذخیره در بریتانیا • نه آقای پزشکیان، شما روبرت هابک نیستید!/ سحر طلوعی

گزارش «شرق» از ادامه مسمومیت‌های الکلی؛ پژوهشگران می‌گویند حتی اطلاع‌رسانی درباره کیت‌های تشخیص متانول هم محدودیت دارد

پشت پرده مرگ‌های متانولی

محمدحسین موسوی: از ۲۵ آبان موج تازه مسمومیت‌های الکلی از چند شهر کشور شروع شد؛ بندرعباس، نیشابور، خوی، شیراز و مرودشت. اکنون اما موج مسمومیت‌ها از این چند شهر گذشته و به استان‌های دیگر مانند کردستان، سیستان‌وبلوچستان، البرز، خراسان، اصفهان و زنجان رسیده است. براساس آمار وزارت بهداشت، از ۹ آبان تا ساعت ۲۰ روز چهارم آذر ۱۴۰۵، ۵۴۳ نفر دچار مسمومیت الکلی شده‌اند و ۲۳ نفر جان باخته‌اند. هشت مورد مرگ مغزی نیز ثبت شده است. از مجموع مسمومان، ۴۸۸ نفر مرد و ۵۵ نفر زن هستند. میانگین سنی آنها ۳۱ سال است و ۹۲ نفر کمتر از ۲۰ سال دارند. تاکنون ۲۷۰ نفر پس از درمان ترخیص شده‌اند و ۲۵۰ نفر همچنان بستری هستند. ۳۳ بیمار نیز در بخش مراقبت‌های ویژه بستری هستند، ۳۸ نفر دچار تاری دید شده‌اند و ۲۰۵ مورد دیالیز ثبت شده است. نیشابور با ۲۱۴ مسموم، پنج فوتی و چهار مرگ مغزی بیشترین شمار مسمومان را دارد و ۳۶ بیمار نیز از نیشابور به مشهد و سبزوار منتقل شده‌اند. بیشترین فوتی با هفت مورد در هرمزگان ثبت شده که ۹۳ مسموم داشته است. در شیراز ۸۱ مسموم، سه فوتی و چهار مرگ مغزی و در حوزه دانشگاه علوم پزشکی ایران ۶۹ مسموم و دو فوتی گزارش شده است. خوی نیز ۲۱ مسموم و سه فوتی، مشهد ۹ مسموم و یک فوتی و اصفهان هفت مسموم و دو فوتی داشته است. در کردستان ۲۱، البرز ۲۰، زنجان سه، خلخال سه و زابل دو مورد مسمومیت ثبت شده و فوتی یا مرگ مغزی گزارش نشده است. در میان این افراد، نوجوانانی ۱۲، ۱۴ و ۱۵ساله نیز هستند تا هشداری که به گفته «محمدرضا قدیرزاده»، کارشناس مطالعات اعتیاد مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، از ۱۰سال پیش درباره کاهش سن مصرف الکل داده شده بود، رنگ واقعیت بگیرد.

گزارش تیتر یک را در صفحه ۱۰ بخوانید

واکاوی ابعاد و معادلات محاصره دریایی، ظرفیت‌های پیش‌روی تهران و سناریوهای احتمالی برای شکستن آن در گفت‌وگو با علم صالح

آزمون عبور



این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: عباس کوثری، شرق

پس از کشته‌شدن دو شهروند ایتالیایی در حادثه پهپادی کویت تهران اتهام‌ها را رد کرد و خواستار تحقیقات مشترک شد

کویت در مدار اتهام

صفحه ۲

یادداشت

کارکردن با آمریکا یا تبعیت از آمریکا؟



مهرداد احمدی‌شیخانی

کمی بیش از دو دهه پیش، دوست گرامی‌ام سعید لیلاز، داستانی را که پدرش نوشته بود، به من سپرد تا آن را آماده چاپ کنم و کارهای کتاب را به سرانجام رسانده و منتشرش کنم. داستان کتاب در زمان وقایع شهریور ۲۰ می‌گذشت و نویسنده ضمن روایت رخدادهای آن دوران، داستانی اجتماعی را در بستر آن واقعه تاریخی نقل می‌کرد. داستان یک حاج آقای بازاری که اتفاقا نام کتاب هم «حاجی‌آقا» بود و در آن گیرودار اشغال ایران، دختری جوان و زیبا و شوخ‌وشنگ را در خیابان می‌بیند و با اینکه آن مرد، زن و فرزند داشت، دختر را دنبال می‌کند و کسی را می‌یابد تا بتواند زمینه خواستگاری و وصلت را فراهم کند. اما خانواده دختر می‌گویند او خواهر بزرگ‌تری دارد که ابتدا باید او ازدواج کند و بعد این دختر کوچک‌تر. مشکل اما این بود که دختر بزرگ‌تر نه‌تنها زیبا نبود، بلکه در اصطلاح عامیانه بسیار هم بدگِل بود. ولی واسطه ازدواج به پدر و مادر دختر می‌گوید مشکلی نیست، با آرایش و سرخاب‌سفیداب دختر بزرگ‌تر را جای دختر کوچک‌تر قالب می‌کنیم و همین کار را هم کردند و او را به عقد حاج‌آقای قصه درآوردند و تمام.

دیشب که قصد نوشتن این یادداشت را داشتم و خاطره داستان حاجی‌آقا از ذهنم می‌گذشت، یاد سال‌ها پیش‌تر و مجله توفیق افتادم و کاریکاتوری که در آن چاپ شده بود. ماجرای آن کاریکاتور این‌گونه بود که پیرزنی عجوزه و بدریخت را به پسر جوانی به زنی داده بودند و جوان در گوشه‌ای ایستاده و خیره به آن عجوزه نگاه می‌کرد و هم‌زمان با خود می‌گفت و تلقین می‌کرد که «خوشگله... خوشگله». همه این خاطرات برای من مقدمه‌ای شد جهت نوشتن یادداشتی که با دیدن فیلم مصاحبه‌ای در یکی از پلتفرم‌های مجازی در ذهنم شکل گرفت.

یکی، دو روز پیش، فیلم مصاحبه‌ای با یکی از فعالان محیط زیست که ازقضا دوست و هم‌کلاس دوران دبیرستان من هم بود، دیدم که می‌گفت: «آمریکا هیولا نیست و یادمان باشد که همه دنیا دارد با آمریکا کار می‌کند و ما هم باید مثل همه کشورهای دنیا با آمریکا کار کنیم». آنچه این دوست قدیمی می‌گفت، برای من چند پرسش و نکته را به ذهن متبادر کرد. اول اینکه آیا واقعا همه کشورها دارند با آمریکا کار می‌کنند؟ و چه خوب است چند کشور را نام ببریم که دارند با آمریکا کار می‌کنند.

به‌شخصه بر این باورم که ایران قطعا و حتما باید با هر کشوری رابطه داشته باشد و کشور بد و خوب هم نداریم و قبلا در یادداشت «دست‌دادن با شیطان» در همین روزنامه «شرق»، لزوم برقراری این روابط را نوشته‌ام. با این حال، به قول آن مثل معروف که با بعضی‌ها که دست می‌دهی، بعدش باید انگشت‌هایت را بشماری، دست‌دادن با کشوری مانند آمریکا را نیز از همین سنخ می‌دانم. ولی اینکه می‌گوییم همه کشورها با آمریکا کار می‌کنند، دقیقا کدام کشورها منظورمان است؟ آیا منظور کشوری مثل لیبی است که الان و بعد از حمله آمریکا و سرنگونی قذافی، دیگر کشوری به نام لیبی به‌جز روی نقشه جغرافیا وجود ندارد؟ حالا این لیبی با آمریکا کار می‌کند یعنی چه؟ یعنی دو پایتخت، دو دولت، دو مجلس و چندین ارتش مختلف و هر چاه نفت در دست یک عده تفنگچی و بازار برده در قرن بیست‌ویکم؟ یا مثلا عراق با آمریکا کار می‌کند یعنی چه؟ یعنی ۲۳ سال بعد از سرنگونی صدام، پول فروش نفت عراق در حسابی در نیویورک واریز می‌شود و در همه این ۲۳ سال حتی یک نیروگاه برق در عراق ساخته نشده و عراقی‌ها برق کشورشان را از ایران می‌گیرند و اگر آمریکا نخواهد، دولت عراق حتی دسترسی به یک دینار از پول نفت خود را نخواهد داشت؟ یا شاید منظور کار کشورهای حاشیه خلیج فارس است که هرچه از فروش نفت درآورده‌اند، داده‌اند از آمریکا اسلحه خریده‌اند و در این جنگ، آمریکا آنها را به امان خدا رها کرده و آن همه اسلحه که امارات و عربستان خریدند و دادند به مزدوران چندملیتی‌شان در یمن، حالا افتاده دست یمنی‌ها؟ شاید هم منظور از کارکردن با آمریکا، کشورهای اروپایی باشند که حتی حق ندارند از روسیه نفت بخرند و آمریکا می‌رود خط لوله نورد استریم را منفجر می‌کند و به آنها می‌گوید باید از من نفت بخرید و گرینلند را هم بدهید به من؟ و کار تا آنجا برای اروپا خراب می‌شود که آمریکا با چین و روسیه دور یک میز می‌نشینند و به قول جناب بقایی (سخنگوی وزارت خارجه کشورمان) اروپا فقط در حد عکاس در مذاکرات حضور داشت. یا شاید منظور کارکردن کره و ژاپن با آمریکاست که حتی حق ندارند برای دفاع از کشور خودشان نظر بدهند و در جنگ آمریکا علیه ایران، ایالات متحده سپر دفاعی این دو کشور را برای محافظت از اسرائیل، به خاورمیانه منتقل می‌کند.

شاید هم منظور این دوست قدیمی که همان سخن اکثر روشنفکران و تحصیل‌کردگان ایرانی را تکرار کرده است، نمونه کارکردن کشورها با آمریکا، کشور کانادا باشد که نخست‌وزیرش می‌گوید: «آمریکایی‌ها توافق‌نامه‌ها را با مداد امضا می‌کنند که هر وقت دلشان خواست آن را پاک کنند». این سخن نخست‌وزیر کانادا دقیقا همان کارکردنی است که احتمالا دوست قدیمی‌ام منظورش است؛ اینکه با آمریکا کار کنیم، اما هرطور که آمریکا خواست. طوری که برژینسکی در کتاب «صفحه بزرگ شطرنج» گفته، باید برویم ایران را اشغال کنیم؛ انگار ایران یک سرزمین برهوت و بی‌صاحب است و منتظر تا کریستف کلمب بیاید کشفش کند و صاحبش شود، حالا چنده میلیون سرخ‌پوست هم اگر مردند که چه بهتر. یا دیک چنی در سال ۲۰۰۳ گفته هدف از حمله به عراق، اشغال ایران است. یا همین چند روز پیش ترامپ گفت «جنگ ما با ایران از ۵۱ سال پیش شروع شد، نه ۴۷ سال پیش»؛ یعنی از زمان جرالد فورد و دوران سلطنت محمدرضا پهلوی. حالا به خود تلقین کنیم که نه؛ آمریکا خوشگل است یا مدام این عجوزه را بزک کنیم تا به خود بقبولانیم که آمریکا هیولا نیست. نمی‌دانم آیا با این بزک عروس عجوزه، قصد فریب خود را داریم؟ قطعا با آمریکا باید رابطه داشته باشیم، ولی نه اینکه تهش بشود رابطه محمدرضا پهلوی با آمریکا و داستان ذوب آهن که ایران ۴۰ سال به غرب التماس کارخانه ذوب آهن کرد و ابتدا انگلیس و بعد آمریکا نگذاشتند ایران ذوب آهن داشته باشد و آخرش چه شد؟ شاه با راهنمایی مرحوم عالیخانی، از اتحاد جماهیر شوروی ذوب آهن وارد کرد و از بلوک شرق، ماشین‌سازی و تراکتورسازی آورد. اینها را که آمریکا به ایران نداد؛ داد؟

خیلی خوب است که روشنفکران ما اصرار دارند ایران با آمریکا کار کند، ولی چرا وقتی همه دنیا، حتی خود آمریکا، دنبال این هستند که با چین کار کنند، تحصیل‌کردگان ما اصرار دارند که نخیر، باید با آمریکا کار کنیم؟ اگر در قرن نوزدهم غرب کعبه آمال توسعه بود، الان که دیگر چنین نیست. همین سفر دو هفته پیش ترامپ به چین را ببینید که چه ذوقی کرده بود بابت اینکه شی جین‌پینگ در فرودگاه به استقبالش آمده بود. خیلی دلمان به حال کشورمان می‌سوزد، به جلو نگاه کنیم، نه به عقب. آن قرن نوزدهم بود که غرب امید صنعتی‌شدن کشورها بود؛ تازه آن هم نه کشورهای خاورمیانه که حتی اجازه نداشتند ذوب آهن داشته باشند.

فقط برای اینکه ببینیم کارکردن با آمریکا چه بلایی سر کشورها می‌آورد، یک مثال می‌زنم و یادداشت را تمام می‌کنم. فرانسه در بین کشورهای اروپایی از همه بیشتر سعی داشته در یک موازنه با آمریکا کار کند و نه مثل اکثر کشورهای جهان تبعیت. نتیجه چه شده؟ از بعد از جنگ جهانی اول، لبنان حیاط‌خلوت فرانسه بود. لبنان کشور کوچکی است، پس کنترل آن توسط فرانسه نباید چندان دشوار باشد. فرانسه هم که با آمریکا دشمن نبوده و به قول این دوستان تحصیل‌کرده ما، با آمریکا کار کرده است، پس چه شده که در ماجرای بمباران و کشتار بیروت و جنوب لبنان، فرانسه با همه علاقه‌ای که داشت، نتوانست مداخله کند و جلوی کشتار اسرائیل در لبنان را بگیرد؟ فرانسه که ایران نیست، پس چرا حتی فرانسه نیز حق مداخله برای جلوگیری از کشتار را ندارد؟

خودمان را گول نزنیم. برای آمریکا، کشورها دو دسته‌اند؛ یا تابع هستند و گوش‌به‌فرمان یا همچون چین و روسیه، قدرتمند که باید با آنها دور یک میز نشست. غیر از این نیز می‌شود ایران که باید بمبارانش کرد و بعد همچون عراق و ونزوئلا، تمام ثروتش را کنترل کرد. شاید دوستان ما رویشان نمی‌شود بگویند که منظورشان از کارکردن، یعنی تبعیت‌کردن؛ چون حتی یک کشور را غیر از روسیه و چین نمی‌توان مثال آورد که به‌جای تبعیت، با آمریکا کار کند. یادتان هست دوره برجام و پس از خروج آمریکا از برجام؟ تمام کشورهای اروپایی حتی یک دلار هم برای ایران جابه‌جا نکردند؛ چون با آمریکا کار نمی‌کردند، تبعیت می‌کردند. آمریکا هیولا نیست، یعنی همین که می‌گوید گرینلند مال من، نفت ونزوئلا مال من، ثروت عراق مال من، اروپا از روسیه سوخت نخرد ولی من گازوئیل می‌خرم. من واقعا طرفدار دست‌دادن با شیطانم، ولی انگشت‌هایم را هم بلدم بشمارم.

برگزیده‌ها

تعرفه‌های اینترنت ثابت در سکوت خبری و در شرایط تداوم اختلال و نارضایتی کاربران افزایش یافت

صورت‌حساب سنگین‌تر برای اینترنت ناپایدار

۱۱

جنبش دانش‌آموزان و آموزش نابرابر: با نگاهی به جستار «در ستایش بی‌سوادی» انسنس برگر

سواد به‌عنوان ابزار انقیاد

۷

جدال معماران و مرمتگران بر سر حدود تغییر در میراث معماری مدرن

خانه شاملو در آینه معمار

۹

شهرداری تهران بار دیگر از انتقال پایانه‌های غرب و جنوب خبر داد

وعده ۱۳ ساله زمین‌های ۵۵ هکتاری

۹

حذف کارت سوخت جایگاه‌داران به بهانه قاچاق، شهروندان را برای ترددهای ضروری بین شهری دچار مشکلات عدیده کرده است

گرفتاران ناترازی

۴

این فقط یک کنسرت بود نه ولنگاری و ابتذال!

یادداشتی از گیسو فغفوری

۱۲

یادداشت

ناترازی انرژی و تبعات آن

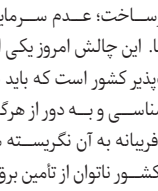

منصور معظمی

آنچه این روزها تحت عنوان مسئله ناترازی انرژی در جامعه مطرح است، اول اینکه فرایندی طولانی است که نتیجه اقدامات و تصمیم‌گیری‌های دولت‌ها و مجلس‌ها بوده است. به بیان دیگر، می‌توان گفت این بحران حاصل شش اتفاق است:

۱. بحران سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی ناشی از تحریم‌ها و کم‌توجهی دولت‌ها، ۲. بحران بهره‌وری ناشی از فرسودگی شبکه‌های انتقال و تجهیزات و نارضایتی، ۳. بحران حکمرانی ناشی از برداشت اشتباه و نگاه غلط و باور ناصواب به بخش انرژی، ۴. بحران اقتصاد انرژی به دلیل نگاه صرفا عامیانه به این بخش بسیار استراتژیک، ۵. بحران اعتماد و مشارکت اجتماعی به‌دلیل روشن‌نشدن ابعاد موضوع برای مردم و ۶. بحران زیرساخت؛ عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها. این چالش امروز یکی از مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیر کشور است که باید به‌طور ویژه و کاملا کارشناسی و به دور از هرگونه هیجان و نگاه عوام‌فریبانه به آن نگریسته شود. به هر حال، امروز کشور ناتوان از تأمین برق، گاز، آب و نفت برای نیازهای ضروری و همچنین صادرات و ارزآوری است. انرژی، موتور محرکه توسعه اقتصادی و بالطبع سایر قسمت‌هاست؛ بنابراین کمبود آن فقط یک مسئله فنی یا ضعف مدیریت نیست، بلکه می‌تواند پیامدهای گسترده و بعضا جبران‌ناپذیری داشته باشد. این آثار عبارت‌اند از: ۱. آثار اجتماعی، ۲. آثار اقتصادی و ۳. آثار سیاسی. مثلا کاهش رفاه عمومی، اختلال در آموزش، مشکلات بهداشتی و درمانی، مهاجرت، رشد مصرف و فشار معیشتی از تبعات اجتماعی کمبود انرژی است. کاهش تولید صنعتی، افزایش هزینه‌های تولید، بیکاری کارگران، کاهش سرمایه‌گذاری و آسیب به بخش‌های تولید، از آثار اقتصادی است. در حوزه تبعات سیاسی نیز می‌توان افزایش اعتراضات مردم، کاهش اعتماد به دولت، تنش‌های بین‌المللی، وابستگی به کشورهای صادرکننده و تهدید امنیت ملی را نام برد.

ادامه در صفحه ۵

سرمقاله

دستور زبان سیاست و جنگ

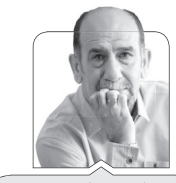

احمد غلامی

درباره جنگ ایران و اسرائیل باوری رایج وجود دارد که ایران با شعار علیه این کشور و نفوذ ژئوپلیتیک خود در کشورهای منطقه همچون لبنان، فلسطین و سوریه، موجب تحریک اسرائیل شده و خواسته و ناخواسته موجب برافروختن آتش این جنگ شده است. تا حدودی برای همه روشن بود که جنگ با اسرائیل پای آمریکا را به این ماجرا باز خواهد کرد. قبل از اینکه این باور رایج را نقد کنیم، باید به این نکته اشاره کرد که در پروسه جنگ اتفاق جالبی رخ داد و آن چیزی نبود جز اینکه آمریکا از فیگور یک حامی، به طرف اصلی جنگ با ایران تبدیل شد. اینک اسرائیل، خاصه بعد از انتخابات یا حتی پیش از آن، نقش برتر خود در مخاصمه را از دست داده و به وردست جنگی رئیس‌جمهور آمریکا تنزل پیدا کرده است. در واقع رقابت بین نتانیاهو و ترامپ باعث شد ترامپ کسی را که برابر با او در جنگ ایستاده بود، کنار بزند. از ابتدا هم بسیاری از تحلیلگران سیاسی باور داشتند که ترامپ این برابرنشینی را تحمل نخواهد کرد. این مواجهه را می‌توان بر اساس الگوی «میل تقلیدی» و «رقابت تقلیدی» رنه ژیرار صورت‌بندی کرد. ژیرار باور دارد میل انسان‌ها تا حد زیادی تقلیدی است؛ یعنی انسان‌ها صرفا بر اساس نیازهای طبیعی خود عمل نمی‌کنند، بلکه آنچه دیگران در طلب آن هستند، بر خواسته‌های ما نیز اثر می‌گذارد و این مطالبه موجب برانگیختن رقابت تقلیدی خواهد شد. رقابتی برای کسب آنچه تو داری یا به دست خواهی آورد. از این منظر درباره رفتار رئیس‌جمهور آمریکا می‌توان گفت در روزهای آغازین جنگ یک شریک استراتژیک بود و هرچه جنگ و تبعات آن جدی‌تر می‌شد، او نقش رهبری را از آنِ خود کرد و طرفه آنکه بعد از انتخابات اسرائیل، جنگ سه‌جانبه ایران، آمریکا و اسرائیل تغییر ماهیت داد و دو جبهه اصلی پیدا کرد: آمریکا و ایران و ضلع سوم جایگاه هم‌ترازی خود را از دست داد. اگر بخواهیم با جعبه ابزار و مفاهیم رنه ژیرار به تحلیل رابطه ایران و اسرائیل بپردازیم، خواهیم دید جنگ بین این دو جبهه اجتناب‌ناپذیر بوده است؛ حتی اگر ایران علیه اسرائیل شعار نداده بود و به دنبال نفوذ ژئوپلیتیک نبود، باز میل تقلیدی یعنی تمایل به مؤثرترین و قدرتمندترین کشور منطقه شدن، به رقابت تقلیدی و سرانجام به جنگ منتهی می‌شد که شاهد آن هستیم، گیرم کمی دیرتر و دورتر؛ و این یعنی جنگ به سیاست تعین می‌بخشد. این جمله مشهور کلازویتس را بارها شنیده‌ایم که «جنگ چیزی جز ادامه سیاست با ابزارهای دیگر نیست». رنه ژیرار با اینکه کلازویتس را می‌ستاید اما با این برداشت او از پدیده جنگ همدلی چندانی ندارد. ژیرا باور دارد وقتی جنگی در گرفت، دیگر این جنگ است که سیاست می‌آفریند. دست بر قضا این گفته ژیرار با تجربه تاریخی ما، خاصه بعد از جنگ و دفاع از ایران در جنگ هشت‌ساله و جنگ‌های ۱۲روزه و ۴۰روزه همخوانی بیشتر دارد؛ چراکه چهره‌های گمنامی را برمی‌کشد و بر مسند سیاست می‌نشاند و چهره‌های نامی را از سکه سیاست می‌اندازد. ژیرار باور دارد جنگ می‌تواند سیاست را تحت سلطه خود درآورد. رابطه میان سیاست و جنگ، رابطه‌ای تعیین‌کننده است و در اوج و فرودهایش بسیاری چیزها هم در سیاست داخلی و خارجی جابه‌جا می‌شود و بی‌دلیل نیست که درباره آغاز و ادامه جنگ‌ها همواره در همه‌جا اختلاف‌نظر وجود داشته است. با اینکه جنگ و سیاست محورهای اصلی نظریات ژیرار و کلازویتس است، باید گفت نگاه ژیرار به جنگ، واقعی و بدبینانه‌تر از کلازویتس است و دور از انتظار نیست اگر او با این گفته کلازویتس همدل نباشد که جنگ منطق خاص خودش را دارد، اما دستور زبان آن از سیاست می‌آید. از فحوای کلام ژیرار می‌توان فهمید که در واقع جنگ دستور زبان سیاست را از نو می‌نویسد.

آگهی مناقصه عمومی

شناسه آگهی ۲۳۳۵۴۵۱
م الف ۲۸۶۹

رجوع به صفحه ۳

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.COM